

## جهانی شدن ، حقوق بشر و گفتگوی تمدن ها

چکیده:

در روند جهانی شدن تغییرات غیر قابل اجتنابی در زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ملل مختلف ایجاد می شود که مردم دول جنوب بیش از دول شمال متاثر می گردند . بسیاری از این تغییرات با مبانی و اصول حقوق بشر پذیرفته شده در حقوق بین المللی موجود در تعارض قرار دارد. در این مقاله سعی شده است نقاط تعارضی که در این روند بانفی حقوق بشر در دول جنوب حاصل خواهد شد و یا تقویت بعضی از جنبه های حقوق بشر

در دول جنوب و شمال مورد بحث ، تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بررسی گردد. سپس موضوع گفتگوی تمدن ها مورد بحث قرار گرفته که آیا می تواند به عنوان یک راه حل عملی موفق آثار منفی احتمالی حقوق بشر ناشی از جهانی شدن را کاهش دهد و یا آثار مثبت احتمالی جهانی شدن را بر

حقوق بشر شمال و جنوب برابر و یکسان نماید؟

واژگان کلیدی:

گفتگوی تمدن ها ، جهانی شدن ، حقوق بشر، شمال و جنوب.

مقدمه

در این مقاله تلاش شده جهانی شدن و آثار مثبت و منفی ناشی از آن بر حقوق بشر مطرح گردد و گفتگوی تمدن ها به عنوان عملی ترین راه حل جهت کاهش آثار منفی احتمالی در آینده بر این مسئله مورد تجزیه قرار گیرد. بنابراین ابتدا مفاهیم و تعاریف جهانی شدن، تاریخچه آن، گروه های رسمی و غیر رسمی کمک کننده به این مسئله و آثار ناشی از آن مورد بحث قرار می گیرد. پس از آن به مبانی و منابع اصلی حقوق بشر و اصول جهانی پذیرفته شده آن اشاره می گردد و سپس با طرح آثار مثبت و منفی ناشی از جهانی شدن توسط طرفداران و مخالفان این مسئله مورد کنکاش قرار می گیرد. در پایان طرح گفتگوی تمدن ها به عنوان یک راه کار موثر برای کاهش آثار منفی جهانی شدن بر حقوق بشر برای تمدن های شمال و جنوب به طور اعم و برای تمدن های جنوب به طور اخص مطرح می گردد و در نهایت به جمع بندی بحث پرداخته خواهد شد.

### تعریف جهانی شدن

در مورد تعریف جهانی شدن باید گفت اینکه این مسئله یک پدیده است یا یک روند بین صاحب نظران یک تعریف واحد متفق علیه وجود ندارد. بنابراین برای روشن شدن این مفهوم بهتر است به تعاریفی که مطرح شده به طور خلاصه اشاره شود. مارتین آلبرو معتقد است (( جهانی شدن به فرایندهایی که براساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد فراگیر جهانی به هم می پیوندند اطلاق می شود)) (۱) مانوکاستل می گوید (( جهانی گرایی جامعه ای شبکه ای است که در ادامه حرکت سرمایه داری در پهنه اقتصاد، جامعه

و فرهنگ شکل می گیرد)) (۲) امانوئل ریشتر نیز (( جهانی شدن را شبکه ارتباطی متصل کننده انسان های پراکنده می داند)) (۳) و در نهایت آلون تافلر می گوید (( جهانی شدن در عصر دانایی راهی برای انتقال کالا، خدمات و سرمایه میان ملل است )) (۴) در همین زمینه برداشت ها و تعاریف مختلف دیگری نیز مطرح شده از قبیل - درهم ادغام شدن بازارهای جهانی برای تسهیل جابه جایی سرمایه ، نیروی کار، کالا و اطلاعات و فرهنگ، - اوج سلطه گری و سلطه پذیری یا اوج پیروزی سرمایه داری - جهانی شدن رقابت بی قید و شرط بوده که فقیر را فقیر تر و غنی را غنی تر خواهد کرد . عصر تحول سرمایه داری برای تمام انسان هاست که در مرکز شمال و پیرامون جنوب قرار می گیرد، در جهانی شدن نقش دولت و مرز ملی کم رنگ می شود و شرکت های چند ملیتی و سازمان های بین المللی .. جای آن را می گیرند (۵)

اگر تلاش شود تایک جمع بندی از تعاریف فوق حاصل گردد باید گفت جهانی شدن در نتیجه گسترش ابزارهای ارتباطی - اطلاعاتی پدید آمده که روند جابه جایی سریع کالا، سرمایه، نیروی کار و اطلاعات را فراهم کرده که کنترل دولت بر آن عملی نمی باشد و منجر به یک فرهنگ واحد جهانی خواهد شد . به عبارت دیگر، جهانی شدن شبیه یک دستگاه مخلوط کن است که چرخ چهار پرده ای آن یعنی کالا، سرمایه یا نیروی کار و اطلاعات است و در اثر حرکت سریع آن معجون فرهنگ واحد یا به بیان دیگر دهکده جهانی پدید می آید

## تاریخچه جهانی شدن

ازلحاظ نظری فلاسفه ، ادیان ، ایدئولوژی ها و سیاستمداران از قرون اولیه بشری اندیشه دولت واحد جهانی را به اشکال مختلف مطرح نموده اند . به عبارت دیگر، مسئله جهان وطنی که می توان آن را یک نقطه کمال و شاید سرانجام جهانی شدن دانست از مسائلی بوده که در گذشته نیز مطرح گردیده است . مثلاً فلاسفه ای مانند ژان ژاک روسو - مارکس ویا رواقیون و- آرمان گرایان با طرح جهان شهر از دید خود چنین ایده ای را مطرح نموده اند از مسائلی بوده که در گذشته نیز مطرح گردیده است . مثلاً فلاسفه ای مانند ژان ژاک روسو، - آرمان گرایان - رواقیون - مارکس با طرح جهان شهر از دید خود چنین ایده ای را مطرح نموده اند . ادیان الهی یهودیت ، مسیحیت و اسلام هر کدام با دعوت جهانی جهت تبعیت از دین خود و جامعه آرمانی موعود در پایان حیات دنیا (آمدن موسی (ع) یا مهدی (عج) و تشکیل حکومت الهی عادلانه) نیز به نوعی این ایده را مطرح کرده اند . ایدئولوژی هایی مانند مارکسیسم - سوسیالیسم و حتی لیبرالیسم آرمان شهر هر کام یک حکومت واحد جهانی است که حداکثر رفاه و عدالت را برای بشر نوید می دهند. سیاستمدارانی مانند ویلی برانت ( دولت جهان شمول ) یا نهرو ویا ویلسون نیز به دولت جهانی اشاره نموده اند (۶) ولی جهانی شدن را به طور رسمی اولین بار ماک لوهان در کتاب خود با عنوان جنگ و صلح در دهکده جهانی در سال ۱۹۷۰ مطرح کرد (۷)

در زمینه جهانی شدن از لحاظ عملی سازمان ها و نهادهای بین المللی رسمی مانند جامعه ملل، سازمان ملل متحد، گات و پس از آن سازمان تجارت جهانی (WTO) گام برداشتند و نیز نهاد ها و گروه های غیر رسمی که به طور آرام ولی قدرتمندانه حرکت کرده اند، شامل ۱- شورای روابط خارجی آمریکا که در سال ۱۹۲۰ تشکیل گردید و مرکب از سران مالی، سیاسی، اقتصادی آمریکا مانند راکفلر، فورد.. روسای جمهور، بانک ها، شرکت های آمریکایی بوده که تمام سیستم های کلیدی امریکا در اختیار آن قرار داشته و برنامه ریز اصلی کشور و تاثیر گذار بر تمام دول عربی و شرکت های چند ملیتی و سازمانهای بین المللی تا کنون بوده اند (۸) ۲- گروه بیلدربرگ ۱ که در سال ۱۹۵۲ شکل گرفت و متشکل از سران و افراد ذی نفوذ اروپایی بوده و به گروه قبل متصل می گردد هدف این گروه اتحاد غرب علیه هجوم شوروی سابق بوده است و نیز به دنبال تحقق صلح جهانی در پناه اتحادیه اقتصاد بین المللی گام برداشته است. تمام سران احزاب چپ، میانه و راست اروپا علی رغم داشتن ایدئولوژی های متضاد، نقطه مشترک آنها دستیابی به یک دولت واحد جهانی (یا سوسیالیسم یا لیبرالیسم) بوده است امروز ۲۴ شخصیت برجسته اروپایی و ۱۵ شخصیت آمریکایی اعضاء فعال در این گروه با ایده دستیابی به یک دولت جهانی واحد با نگرش های چپ و راست فعالیت می نمایند (۹) ۳- کمیسیون سه جانبه ۲ که در سال ۱۹۷۳ در ژاپن شکل گرفت و به دو گروه قبل متصل شد، اعضا آن سران و افراد برجسته مالی- اقتصادی آسیایی می باشند که با همان هدف جهانی شدن اقتصاد با

همکاری اروپا، آسیا و آمریکا حرکت می نماید. هدف اصلی این سه گروه با، پیاده نمودن ایده دولت جهانی براساس اقتصاد آزاد و جابه جایی آزادانه سرمایه، کالا، خدمات و اطلاعات ارتباط و همکاری تنگاتنگ با یکدیگر می باشد (۱۰) از دیگر گروه های غیر

رسمی (گروه های غیر رسمی در مسئله جهانی شدن را به این صورت می توان تعریف کرد که اولاً ساختار علنی و آشکار جهت دستیابی به یک اقتصاد و فرهنگ جهانی نداشته اند بلکه به طور سری و مخفی چنین کاری را می کنند. ثانیاً اگر ساختار تشکیلاتی آشکار داشته اند هدف اعلانی و رسمی برای دستیابی به یک جامعه جهانی با اقتصاد و فرهنگ واحد نداشته اند، گرچه در عمل و به طور غیر اعلانی و به طور مقطعی در این مسیر کمک

می کرده اند) کمک کننده به جهانی شدن شرکت های چند ملیتی اروپایی، آمریکایی و آسیایی مانند جنرال موتور، B P، فورد I B M و توتال می باشند. مثلاً جنرال موتور در سال ۱۹۷۵، ۱۳۲ میلیارد دلار و شرکت فورد ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد داشته اند که هر کدام معادل درآمد سالیانه چند کشور مانند عربستان سعودی، ایران و ترکیه بوده است

که این سود نصیب کشور سهامدار اصلی یعنی آمریکا گردیده است (۱۱)

### آثار جهانی شدن

اگر بخواهیم آثار جهانی شدن را به طور خلاصه اشاره نماییم، عبارت خواهند بود از ۱- وابستگی بیشتر اقتصاد کشورها به یکدیگر ۲- افزایش رقابت کشورها با توجه به توان های بالفعل و بالقوه آنها ۳- به چالش کشیده شدن دولت ها و تضعیف حاکمیت و جانشینی

سازمان هایی مثل WTO به جای آنها ۴- تقسیم کار بین المللی براساس ارزش نسبی

تولید ۵- پیدایش دهکده واحد جهانی با غلبه فرهنگ واحد با ارزش ها و هنجارهای

مشترک و کمرنگ شدن حوزه فرهنگ ها (۱۲) پس از تعریف جهانی شدن و گروه های

ذیربط در این زمینه لازم است جهت مشخص شدن آثار آن بر حقوق بشر، بحثی مقدماتی

در مورد مبانی حقوق بشر ارائه گردد.

### مبانی حقوق بشر

اگر بخواهیم ریشه های حقوق بشر امروزی را کنکاش نمایم باید آن را در میانی اصول

ادیان الهی، قواعد حقوق طبیعی، اصول و اهداف انقلاب انگلستان، عهد نامه وستفالی

۱۶۴۸، منشور حقوق ۱۶۸۹ انگلیس، جابجایی ریشه یابی نمود. همچنین باید به اندیشه

های سیاسی قرن ۱۶ و ۱۷م مانند جامعه مدنی جان لاک، حق صیانت نفس توماس هابز،

اراده عمومی مبنی بر رضایت افراد ژان ژاک روسو نیز توجه نمود (۱۳) با تاسیس سازمان

های بین المللی نظیر جامعه ملل و سازمان ملل حقوق بشر مفهوم جهان شمول یافت که بعد

از جنگ دوم سه نسل حقوق بشر جهانی مطرح گردید.

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ که حقوق مدنی سیاسی بشر را ۲۰ مطرح کرد

۲. میثاق بین المللی که حقوق اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی بشر را جهانی کرد.

۳. میثاق های بین المللی مکمل که حقوق مدنی و سیاسی بشر را در سطح جهان به صورت حقوق همبستگی بشر مطرح نمود ( گرچه دو میثاق حقوق سیاسی - مدنی و اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی همزمان تصویب شدند ولی در قالب دو پروتکل بوده که در اینجا مجزا اشاره شده است ) هر سه گروه حقوق بشر در سال ۱۹۶۶ در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شدند و کمیته حقوق بشر مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر شورای اقتصادی، اجتماعی در سال ۱۹۶۷ مامور تحقیق و تفحص گردیدند که در صورت نقض این حقوق توسط دولتی از اعضاء سازمان ملل، دیگر اعضا فشار سیاسی را بر دولت ناقض وارد نمایند (۱۴)

شکایت علیه دولت نقض کننده حقوق بشر می تواند از طریق گزارش های شبکه های گزارشگر کمیسیون یعنی گروه های کاری ۱ یا گزارشگران موضوعی ۲ و گزارشگران یا نمایندگان کشوری ۳ در کمیسیون حقوق بشر طرح شود سپس در صورت لزوم کمیسیون فرعی حقوق بشر اقدام به تحقیق و تفحص می نماید که در صورت اثبات آن مسئله ابتدا در شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل طرح شده و دولت ناقض ابتدا به صورت محرمانه و در حالت عدم تاثیر پذیری حتی به طور علنی به او توصیه هایی می گردد و در نهایت احتمال محکومیت آن وجود دارد (۱۵) دبیر کل سازمان ملل در سال ۱۹۸۵ در مجمع عمومی اعلام کرد که حقوق بشر جهان شمول مواردی از قبیل ۱- حق برخورداری از تعلیم و تربیت ۲- حق مشارکت در اداره امور فرهنگی ۳- حقوق اقلیت ها ۴- حقوق سندیکاها



۵- حقوق خانواده ( ازدواج - طلاق - حقوق کودکان ) ۶- حق آزادی عقیده و بیان ..می باشد (۱۶) ضمانت اجرایی حقوق بشر جهانی امروز فقط فشار سیاسی می باشد که نتیجه سریع و کامل به دنبال ندارد اما علی رغم ضعف ضمانت اجرایی حرکت جهانی حقوق بشر باعث شده است که دولت ها حتی المقدور آنرا رعایت نمایند و آن را در قوانین داخلی و منطقه ای خود سرایت دهند . برای مثال، حق تحصیل رایگان برای عموم مردم ، حق داشتن حداقل دستمزد، حق داشتن بهداشت، حق داشتن وکیل، حق تامین اجتماعی ( بیمه های اجتماعی ) و.. از مواردی است که در قوانین اساسی و مدنی بسیاری از دولت ها به رسمیت شناخته شده و در پیمان های منطقه ای حقوق بشر در مناطقی مانند اروپا- آمریکا- آفریقا .. مورد پذیرش قرار گرفته است (۱۷) پس از اشاره مختصری در زمینه مبانی حقوق بشر لازم است بحث شود که جهانی شدن بر حقوق بشر چه آثار مثبت یا منفی به بار خواهد آورد..

### آثار مثبت جهانی شدن بر حقوق بشر

طرفداران جهانی شدن این مسئله را یک (پروسه) روند تغییر می نمایند که از قرن ۱۶ میلادی به دنبال انقلاب صنعتی از اروپا شروع شده و مراحل تکاملی آن امروز با سرعت بیشتری نام جهانی شدن در حال شکل گیری است . بنابراین تمام ملت های شمال و جنوب چه بخواهند چه نخواهند ، این روند تمام جنبه های زندگی آنها را درنوردیده و برای آنها تحولات مختلفی را به وجود می آورد. اما همان گونه که در دنیای بعد از انقلاب صنعتی

به مراتب شرایط زندگی و حقوق بشر بهبود یافت این تحول سریع نیز برای جامعه بشرنویدها و آثار مثبت زندگی را در تمام ابعاد به دنبال خواهد آورد. به عبارت دیگر، این امکان وجود دارد که حقوق بشر مردم دولت های شمال به مراتب کامل تر شود ولی مردم جنوب نیز از سطح و وضع فعلی به طور نسبی شرایط بهتری را به دست آورند و در مجموع برای جامعه جهانی بشری حقوق بهتری به دست آید (۱۸) در این زمینه صاحب نظرانی که چنین دید گاهی دارند چنین استدلال می کنند، مثلاً آقای جیمز گراف ۱ می گوید: (( جهانی شدن چهره ای انسانی دارد و برای دولت های جنوب بد مطلق نیست. )) (۱۹) بیمال گوش ۱ می گوید: (( مشکلات جهانی شدن به چگونگی کنترل آن ربط دارد نه خود مسئله )) (۲۰) فوکویاما می گوید ( جهانی شدن جزء فطرت بشر است که دولت های جنوب در برابر آن با بیم و امید مقابله می کنند. امید به کسب سهم و زندگی بهتر و بیم از اینکه سهم به دست نیآورده و فقیر شوند. او تاکید می کند که جهانی شدن می تواند خیلی از مشکلات جهان سوم را حل کند پس نباید نگران آن بود. )) (۲۱) استدلال اکثر صاحب نظران خوش بین به جهانی شدن برای حقوق بشر این است که با نزدیکی و اتحاد ملت های شمال و جنوب فاصله عقب ماندگی ملل جنوب کمتر شده شرایط بهتر و توسعه آنها را به دنبال می آورد و مثال می زند همان گونه که اتحاد دو آلمان، دو کره و دو چین باعث شد قسمت عقب مانده از توان مالی تکنیکی قسمت پیشرفته کمک بگیرد و عقب ماندگی هارا از بین ببرد، جهانی شدن نیز چنین نقشی را بازی خواهد کرد. در واقع جهانی

شدن فرصتی را برای مدیران جهان سوم پدید می آورد تا بسیاری از مشکلات ریشه ای خود (اقتصادی - اجتماعی - سیاسی..) را حل نمایند آمار موجود تجارت جهانی نیز مویید این ادعاست . بدین صورت که در جریان فعلی جهانی شدن تمام ملت های جهان ، سهم مبادلات تجاری آنها افزایش یافته از جمله سهم ملت های جهان سوم از ۳۳ درصد در دهه ۸۰ به ۴۳ درصد در سال ۱۹۹۶ ارتقا یافته و این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۵۰ درصد رسیده است (۲۲)

بنابراین در جریان جهانی شدن تمام ملت های شمال و جنوب سهم بیشتری از درآمد جهانی کسب می نمایند و حقوق بشر فعلی در کل بهبود می یابد . داریوش شایگان می گوید: (( فرهنگ جهانی یعنی آگاهی جهانی بدین معنی که تمام ملل از رسانه های مشابه و یکسان آموزش شبیه کسب می نمایند که این مسئله به معنی سلطه تک فرهنگی نبوده بلکه شکست تک فرهنگی می باشد )) ( حاصل این روند برابری حق آموزش و تعلیم و تربیت برای ملل شمال و جنوب است ) در جهان گرایی سیاسی نیز ملت ها درصددند یک جامعه مدنی جهانی شکل داده تا مشکلات آنها مانند امنیت جهانی حقوق بشر، دموکراسی، تروریسم بین الملل، آلودگی محیط زیست را حل نمایند بنابراین می توان گفت در چنین فضایی برابری حقوق سیاسی، مدنی و شهروندی حاصل می شود. از بعد دیگر در جهانی شدن ملل جنوب امکانات برابر جهت نشر خرده فرهنگی برای حفظ خود پیدا می کنند، یعنی حق برابر آزادی بیان و عقیده را به همراه می آورد (۲۳) به عبارت

دیگر، جهانی شدن کثرت را در درون وحدت (برابری ملت ها) پدید می آورد که باعث می شود بگوییم: (( جهانی بیندیش و محلی عمل کن ))<sup>۱</sup> بدین ترتیب می توان گفت در روند جهانی شدن، حقوق بشر ضعیف فعلی دول جنوب مانند حق آموزش، بهداشت، تغذیه، اشتغال، بیمه، حقوق زن، حقوق کودکان در کل به دنبال این تحول بهبود یافته و نیز وضع اقتصادی اجتماعی سیاسی آنها ارتقاء خواهد یافت و همچنین دول شمال به دلیل مبادلات بیشتر حقوق بشر مطلوب فعلی آنها نیز مطلوب تر خواهد شد (۲۴) به خصوص در اکثر کشورهای جنوب که ساختار قدرت و روابط آن بیشتر شکل مردسالاری دارد و حداقل حقوق اقتصادی - سیاسی - اجتماعی برای زنان مطرح است، جهانی شدن این نابرابری را برهم زده ساختارهای ملی - محلی قدرت را تغییر داده و حقوق تعریف شده مردسالارانه را متحول کرده و حقوق بشر برابر زن و مرد را به دنبال می آورد (۲۵)

### آثار منفی جهانی شدن بر حقوق بشر

مخالفان جهانی شدن این مسئله را بک پدیده می نامند، نه یک روند. بدین ترتیب که گویند از دهه ۷۰ میلادی شرکت های چند ملیتی آمریکایی و اروپایی وارد صحنه جهانی شده، روزبه روز قدرت اقتصادی آنها افزایش یافت و بر اقتصاد جهانی سلطه یافتند. با فروپاشی اتحاد شوروی سابق و خلاء قدرت این شرکت ها با حمایت های دولت های بانی خصوصا دولت های آمریکا با شعار جهانی شدن در صدد سلطه کامل بر جهان خصوصا جنوب هستند. در واقع این پدیده گام سوم و تکمیل کننده همان استعمار قدیم و جدید می

باشد که با ظاهری منطقی و زیبا تبلیغ می شود که چنین پدیده ای به سلطه مجدد و عمیق تر دول شمال بر دول جنوب منجر شده و در نهایت همین حداقل حقوق بشر موجود در دولت های جنوب را به نابودی می کشد حتی در دول شمال نیز به دلیل روند سلطه مالی -

اقتصادی این شرکت ها فاصله فقیر و غنی در آنجا نیز بیشتر شده، فاصله طبقاتی جوامع شمال و فاصله طبقاتی داخل دول جنوب به طور همزمان بیشتر شده و حقوق اولیه پذیرفته شده بشر به طور کلی لطمه خواهد دید

صاحب نظران مخالف جهانی شدن با نگرش منفی معتقدند این روند منجر به جابه جایی

بیشتر ثروت دولت های جنوب به شمال می گردد که تبعیضات اقتصادی، اجتماعی، بی

ثباتی و ضعف بیشتر حقوق بشر دول جنوب را به همراه آورده و روند استعمار قدیم و جدید

را تکمیل می نماید منیر شفیق صاحت نظر عرب درالشرق الاوسط می گوید: (( جهانی

شدن جنوب را به نابودی فرهنگی - هویتی می کشاند و سرمایه و ثروت آنها را به شمال

می فرستد.)) (۲۶) محمد شعبان دیگر نویسنده عرب می گوید: (( جهانی شدن به استیلای

اقویا و انقیاد ضعفا منجر می شود و به تحمیل الگوی لیبرالیسم در ابعاد اقتصادی ( مبادله آزاد

تجاری) سیاسی (پلورالیسم) اجتماعی ( آزادی ارتباطات) فرهنگی ( فرهنگ واحد

جهانی) منجر می گردد که ۲ درصد درآمد جهانی به ۸۰ درصد جمعیت جهان ( دول

جنوب) اختصاص می یابد که در اصل دول جنوب متضرر می گردند.)) (۲۷) والرشتاین

می گوید: (( جهانی شدن یعنی موفقیت سرمایه داری و جهانی شدن فرهنگ یعنی سیطره

فرهنگی غرب بر دیگر فرهنگ ها است (۲۸) جهانی شدن باعث تشدید دوگانگی اقتصاد دولت های جنوب در شهرهای کوچک و بزرگ آنها خواهد شد که منجر به تشدید طبقه فقیر و غنی آنها نیز می گردد.

بنابراین به آثار منفی جهانی شدن بر حقوق بشر بدین ترتیب می توان

### اشاره کرد

۱. جهانی شدن فقیر را فقیر تر و غنی را غنی تر می کند (خصوصاً در دول جنوب)

۲. به دنبال بحران دولت ملی و عدم سلطه دول شمال و جنوب بر منافع اقتصادی، اجتماعی

ملت های خود شرکت های چند ملیتی و سازمان های جهانی جایگزین بیشتر، منافع

صاحبان مالی این موسسات را تامین می نمایند. ۳. ملت های مختلف خصوصاً در جنوب با

بحرانهای مالی جهانی بیشتری که نتیجه وحدت بازارهای مالی بورس جهانی است روبه رو

خواهند شد، مانند بحران مکزیک در سال ۱۹۹۴ یا بحران مالی جنوب شرق آسیا در سال

۱۹۹۷ که در این میان دولتهای جنوب بیشتر ضرر کردند. ۴. پیامدهای اجتماعی اقتصادی

ناشی از اصلاحات ساختار اقتصادی مورد نظر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول

تشدید بیکاری، گسترش فقر، کاهش دستمزد خواهد بود که ملل جنوب بیشتر متاثر

خواهند شد. ۵. تسلط فرهنگ غرب و حذف خرده فرهنگ ها باعث لطمه خوردن به حق

آزادی عقیده، بیان و مذهب خواهد شد. ۶. جهانی شدن سلطه عمیق تر شمال بر منابع

و درآمدهای جنوب را به دنبال خواهد آورد.۷. جابه جایی ثروت و نیروی کار از جنوب به شمال و جابه جایی اطلاعات و فرهنگ از شمال به جنوب، تبعیض و نابرابری حقوق بشری از ابعاد ثروت، فرهنگ و توسعه را به دنبال می آورد.۸. شروط حمایتی گمرکی - تکنیکی که برای دول جنوب جهت کاهش آثار منفی جهانی شدن مطرح گردیده نیز در کوتاه مدت کاری سخت و غیر عملی است که در نهایت به نابرابری حقوق اجتماعی، اقتصادی و مدنی جنوب منجر خواهد شد (۲۹)

بیشتر مخالفان جهانی شدن آثار منفی حقوق بشر ناشی از آن را در دولت های جنوب گوشزد می نمایند، گرچه عمدتاً معتقدند حتی در دول شمال نیز با افزایش فاصله طبقاتی ناشی از درآمد و کار، حقوق بشر لطمه خواهد دید. آنها تایید می نمایند گرچه تحلیل های مختلف آثار مثبت و منفی جهانی شدن را روی حقوق بشر مطرح کرده اند ولی واقع امر غلبه آثار منفی آن در ملل جنوب می باشد. زیرا با جهانی شدن صنعت و کشاورزی ملل جنوب بیش از پیش به دست کمپانی های بین المللی خواهد افتاد که به دلیل صرفه اقتصادی بیشتر به سوی استخدام دختران جوان و زنان مجرد رو آورده و آنها را بیشتر به کار می گیرند چون زنان کمتر از مردان هزینه دستمزد دارند و زنان مجرد به مراتب با دستمزد کمتری راضی می شوند از سوی دیگر به دلیل رشد تکنیک و ماشین از اهمیت نیروی کار هرچه بیشتر کاسته شده و عمدتاً به کارگران نیمه وقت نیاز خواهد بود بنابراین به طور کلی گرایش صنایع به زنان بدلیل ارزانتر بودن دستمزد آنها خواهد بود و آنها بیشتر مشاغل

را کسب می نمایند. به عبارت دیگر. کمپانی های بین المللی در این روند به جذب کارگران رسمی و غیر رسمی زن در ملل جوب رو آورده که آثار مثبت و منفی حقوق بشری را به دنبال می آورد.

به دنبال جهانی شدن، مسئله هضم شدن کارگران ( زن ) در کشورهای مختلف در اقتصاد جهانی پدید می آید و به دلیل با اهمیت شدن نقش زنان در اقتصاد جهانی آنها را با این خطر روبه رو می کند که دارای مشاغل و درآمدهای بی ثبات و غیر قابل اطمینان شوند و در نتیجه به سوی کارهای حاشیه ای تولید سوق داده شده و زندگی شان با بی ثباتی و عدم اطمینان از تامین اقتصادی- اجتماعی روبرو شود. زیرا مسئله ازدواج به تاخیر افتاده و اقتصاد مرد سالاری نیز به هم می خورد در جوامع جنوب که مرد سالاری عمدتاً در اقتصاد خانواده حاکم بوده به حاکمیت زن سالاری اقتصادی تبدیل شده و زنان نقش اصلی درآمد رادر خانواده ها را به عهده خواهند گرفت که از این لحاظ باعث ارتقاء سطح زن در فعالیت اجتماعی می گردد ولی از آن جایی که برای مردان حاشیه ای شدن در درآمد اقتصادی قابل تحمل نیست ، آنها مجبور به مهاجرت بین المللی می شوند تا بتوانند مشاغل و کار پیدا کنند که به تدریج به ثبات خانواده لطمه وارد شده و آن را تضعیف می نماید. از بعد دیگر مشاغل غیر صنعتی ( سنتی ) زنان نیز در جهان سوم از اهمیت خواهد افتاد و آنها نیز بیکار می شوند. بنابراین جهانی شدن هم آثار مثبت و هم منفی بر زنان و مردان جهان سوم به بار می آورد (۳۰)



اما باین اوصاف آثار منفی بر آثار مثبت آن برتری دارد. به این صورت که با جهانی شدن موسسات اقتصادی غیر دولتی توسط زنان شکل خواهد گرفت تا زنان بیشتری را به کار گیرند و سعی خواهند کرد روی دولت های جنوب سلطه و کنترل پیدا نمایند. آنها موسسات کوچک دیگر را در خود ادغام می کنند و نقش قدرت مسلط را کسب می نمایند. بدین ترتیب نقش سنتی زنان در این جوامع تغییر نموده و به دلیل نقش کار زن در این جریان که وصف آن گذشت، زنان از یک ناامنی و بی ثباتی اقتصادی احساس خطر دائم می کنند. بدین ترتیب با جهانی شدن احتمال فقیر شدن خانواده ها بیشتر می شود و این زنان هستند که باید بیشتر ایثار کرده و کار کنند تا کسب درآمد نموده و هزینه های خانواده را تحمل نمایند.

عکس العمل های دول جنوب نسبت به جهانی شدن که غربی شدن و مدرن شدن را به دنبال می آورد مختلف است زنان و مردان شروع به بحث و جدال در مورد ارزش های جدید می نمایند، زیرا این روند دگرگونی های اخلاقی - ارزشی را پدید می آورد. مثلا قداست ازدوج کم می شود، مادربودن کم اهمیت می گردد، ارزش خانواده کم رنگ می گردد و بی اهمیت شدن ارزش های سنتی را پدید می آورد. عکس العمل ها به چنین تغییراتی مختلف است، در بعضی جوامع جنوب فشارهای زیادی روی دولت ملی برای مقابله با این روند وارد می شود در بعضی جوامع دیگر، فشار برای تغییر نقش زن در محیط اجتماع وارد می شود. در بعضی جوامع نیز به بنیاد گرایی رو آورده می شود تا با مدرنیته

و غربی شدن سریع ناشی از جهانی شدن مقابله شود. روابط جنس ها در جوامع جنوب نیز تغییر می کند و جهانی شدن نقش زنان در جامعه و سیاست را بیشتر می کند همان گونه که کنفرانس زن سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵ آن را مطرح کرد ولی عکس العمل های مختلفی را در جوامع جنوب پدید آورد. در چنین روندی نقش خانه داری، مادر بودن، همسر بودن و داشتن فرزند برای زنان به یک ارزش منفی تبدیل خواهد شد که به کانون خانواده و ثبات آن لطمات زیادی وارد کرده و با عکس العمل های آرام و خشن در چنین جوامعی روبه رو خواهد شد (۳۱)

بدین ترتیب می توان آثار منفی شدن را بر حقوق بشر در دولت های جنوب چنین برشمرد ۱. آثار منفی بر حقوق کودکان، با آزاد شدن روابط زن و مرد و کاهش ازدواج و کاهش قداست تشکیل خانواده، منجر به پیدایش فرزندان نامشروع و کودکان بی سرپرست شده و به تبع در این جوامع کودکان سربار و متخدل به وجود خواهد آمد. ۲. آثار منفی حقوق بشر بر روی زنان ناشی از برهم خوردن ارزش ها که ناشی از آزادتر شدن روابط زن و مرد خواهد بود منجر به تاخیر ازدواج، مجرد زندگی کردن زن، بی اهمیت شدن ازدواج، افزایش طلاق و ابزاری شدن زن خواهد شد. ۳. آثار منفی حقوق بشر روی خانواده یعنی بی اهمیت شدن خانواده، سستی و بی ثباتی آن، فاصله میان اعضاء خانواده، کم شدن عاطفه اعضا و طلاق. ۴. آثار منفی بر روی حقوق کار و کارگر مثل از میان رفتن مشاغل سنتی، تشدید بیکاری، جابه جایی و مهاجرت کارگران مرد به کشورهای شمال،

گسترش مشاغل بی ثبات زنان در دول جنوب با حقوق و مزایای حداقلی، ضعف حقوق کار- دستمزد- تامین اجتماعی ۵. آثار منفی بر حقوق اجتماعی- اقتصادی دول جنوب در نتیجه بروز تضاد ارزشی، فروپاشی نهاد های سنتی ملی محلی ۶. آثار منفی بر استقلال حقوق سیاسی- مدنی دول جنوب به دلیل ضعف حاکمیت ملی و سلطه شرکت های چند ملیتی و نهاد های بین المللی به جای آن .. را میتوان در نظر گرفت.

## گفتگوی تمدن ها به عنوان یک راه حل عملی جهت کاهش آثار منفی جهانی شدن بر حقوق بشر

آنچه مسلم است جهانی شدن چه به صورت یک روند ( موافقان) چه به صورت یک پدیده ( مخالفان) در حال شکل گیری است. اگر جهانی شدن آثار مثبت بر حقوق بشر داشته باشد، گفتگوی تمدن ها می تواند این آثار مثبت را به صورت برابر تر بین تمدن های شمال و جنوب تقسیم کند و اگر آثار منفی بر حقوق بشر داشته باشد می تواند آثار منفی آن را در شمال و جنوب کاهش داده یا حداقل برای تمدن های جنوب این آثار منفی را کمتر کند. آنچه باعث نگرانی های دولت های جنوب از جمله ما ایرانیان است آثار منفی جهانی شدن بر همین حداقل حقوق بشر موجود منی باشد که ما کشورهای جنوب باید تلاش نماییم، در جهانی شدن از حاکمیت یک مرکزیت مالی اقتصادی جهانی به دست سرمایه داران و شرکت های چند ملیتی در این دهکده جهانی ممانعت به عمل آورده و یا دسته کم سلطه یابی آنها را به حداقل کاهش دهیم. مسئله ای که در صورت تحقق آن

بیشترین لطمه حقوق بشری را به ملت های جنوب می زند و حداقل لطمه را به ملل شمال وارد خواهد کرد.

بنابراین با معیارهای پذیرفته شده جهانی از قبیل دموکراسی و مردم سالاری، تامین حقوق بشر جهانی و جامعه مدنی جهانی باید تلاش گردد تا نقش محوری حرکت و حاکمیت به ملت ها و مردم جهان که اکثریت آنها در دولت های جنوب مستقر هستند داده شود. به اینصورت که با عنوان دموکراسی واقعی جهانی باید ارزش های مردم سالاری واقعی مستقر گردد تا حد اکثر سود یعنی استقلال، توسعه و رشد حداقل ضرری یعنی زیر سلطه رفتن، عقب ماندگی و تبعیض شکال گیرد گفتگوی تمدن ها همچنین می تواند جوهره واقعی حقوق بشر جهانی که صلح و عدالت است را بین تمدن های شمال و جنوب به اجماع و قبول عمومی مطلوب تر از امروز برساند که وقتی در اجزاء کوچکتر آن به اجرا درآید می تواند جنبه های مختلف حقوق بشر جهانی را گسترش دهد. این تنها راهی است که ملل مورد تهدید شمال و جنوب به طور اعم و ملت های جنوب به طور اخص می توانند انجام داده و نبض حرکت و حاکمیت را در دست خود گرفته و از بازی گیری شرکت ها و نهادهای مالی اقتصادی جهانی که در صورت سلطه آنها همگی متضرر می شوند (مثل دوران استعمار قدیم و جدید) جلوگیری نمایند. به عبارت دیگر، حد اکثر همه ملت ها و حداقل ملت های جنوب با همبستگی در این مورد می توانند حقوق برابری نسبت به شمال در مسئله جهانی شدن کسب نمایند. به سخن دیگر، گفتگوی تمدن ها می تواند ملت ها را

به صورت حکومت جهانی مردم سالار وارد عرصه جهانی شدن و مشکلات آنها را راحت تر حل نماید. بدین صورت که این جریان در حال شکل گیری را از دست افراد، شرکت

هنا، نهادها و موسسات مالی - تجاری که منطق وانگیزه آنها صرفا کسب سود و منفعت

بیشتر است و کمتر به حقوق بشر توجه دارند خارج کند یا حداقل کنترل آنها را بر دهکده جهانی کاهش داده و نقش حاشیه ای به آنها اعطا نماید (۳۲)

این مهم به بهترین نحو با گفتگوی تمدن ها قابل تحصیل خواهد بود. بدین ترتیب با پی گیری اجرای این طرح حداکثر می توان با آگاه کردن وجدان های خفته بشریت در شمال

و جنوب، آنها را برای توقف استعمار احتمالی جدید به نام جهانی شدن ( توسط نهادها

و شرکت های مالی تجاری) آن ها آماده کرد و حداقل با بسیج ملت های جنوب جهت

کاهش عوارض احتمالی ناشی از آن را به حرکت واداشت. بدین صورت که به تمدن

های جنوبی و شمالی آگاهی داده و گوشزد شود که اگر آثار منفی احتمالی حقوق بشر

در جهانی شدن به وجود آید، همه بشریت باید احتیاط کرده، آن را خنثی و یا آثار آن را

به حد اقل برسانند، قبل از اینکه این آثار زندگی آنها را ( خصوصا در دول جنوب ) بیشتر

تخریب کند.

در گفتگوی تمدن ها از نمایندگان یک تمدن فقط نمی توانند دولت ها باشند در واقع

باید از هر طبقه، قشر، گروه و فرد نمایندگان به صورت مستقیم و غیر مستقیم در این امر

وارد فعالیت شوند این مذاکره می تواند از یک طرف میان تمدن های شمال و جنوب واز

طرف دیگر میان تمدن های جنوب ( مثل مصر- ایران - هند- چین ) پیگیری شده تا اتفاق نظر پدید آورده و آنها به صورت متحد با نمایندگان تمدنهای شمال ( مثل ایتالیا- فرانسه - انگلیس- آمریکا- روسیه ) مذاکره نمایند . به عنوان مثال، برای حقوق زن، کودک و خانواده نمایندگانی از میان آنها با نمایندگان مشابه خود در دیگر تمدن ها و برای دفاع از حقوق کار و کارگر و تولیدنمایندگان همین اقشار و برای دفاع از حقوق اقتصادی- تجاری نمایندگان شرکت ها و موسسات تجاری و برای حقوق سیاسی- نمایندگان دولت ها و برای دفاع از حقوق فرهنگی- مذهبی ، نمایندگان مذهبی دانشگاهی در این روند وارد شوند.

شاید بتوان گفت که در این روند نمایندگان فرهنگی علمی صنعتی و خصوصا مذهبی نقش برجسته تری را بر عهده بگیرند. بدین صورت که همان گونه که مذاهب و ادیان گاه برای تشدید درگیری ها نقش دارند، می توانند در صلح جهانی و حقوق بشر نیز نقش کلیدی بازی کنند بدین صورت که در این گفتگو ادیان به سیاست و فرهنگ کمک نمایند تا تعریف متفق علیه ای برای حقوق بشر جهانی ارائه شود و آموزش دهند که چنین حقوق بشری در عمل چگونه باید محترم شمرده و اجرا شود. ادیان به طور اعم و ادیان الهی به طور اخص می توانند سه گام کلیدی در این زمینه بردارند ۱- تحمل میان مومنین و معتقدین ادیان مختلف ایجاد نمایند. ۲- گام عملی مذاکره و گفتگو را میان پیروان خود ایجاد نمایند. ۳- ارزش های مشترک ادیان را تقویت نمایند . ارتباط ادیان و حقوق بشر نیز در این

زمینه پیاده شدنی خواهد بود، بدین ترتیب که اعتقاد به حقوق بشر که همه مثبت به آن اتفاق دارند و اجرای آن می تواند همزیستی مسالمت آمیز میان ادیان را سبب شود. (۳۳)

### نتیجه گیری

با طرح تعاریف جهانی شدن به یک تعریف مشترک یعنی اینکه دربستر گسترش ارتباطات و اطلاعات، آزادی جابه جایی ثروت، کالا، نیروی کار و اطلاعات رخ خواهد داد دست یافتیم و بیان کردیم که این مسئله به ایجاد یک جامعه جهانی واحد منجر خواهد شد. همچنین تاریخچه جهانی شدن را در اندیشه های فلاسفه، ادیان، سیاستمداران و ایدئولوژی

ها کنکاش نمودیم و مطرح کردیم که کدام نهاد های بین المللی رسمی، غیر رسمی (جامعه ملل، سازمان ملل، شورای روابط خارجی آمریکا، گروه بیلدبرگ و کمیسیون سه جانبه) در این مسئله نقش اصلی ایفا نموده اند.

مبانی اصلی حقوق بشر پذیرفته شده فعلی را توسط اکثر دول عضو سازمان ملل اشاره نموده (مثل حقوق فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و آزادی مذهبی) و آثار مثبت ناشی

از جهانی شدن را بر حقوق بشر از جانب طرفداران جهانی شدن عنوان کرده و گفتیم که آنها این مسئله را بک روند ۴۰۰ ساله می دانند که نتیجه آن برابری و رشد بیشتر حقوق بشر در شمال و جنوب خواهد شد. در حالی که در مقابل آنها مخالفان جهانی شدن آثار منفی ناشی از جهانی شدن بر حقوق بشر را مطرح نمودند. مطرح شد که آنها معتقدند جهانی

شدن ادامه روند سلطه استعماری بوده و پدیده شرکت هانا و نهاد های مالی تجاری جهان سرمایه داری است که به تقویت روند سلطه استعمار قدیم و جدید منجر شده و در کل این پدیده به نقض حقوق بشر جهانی ( با ایجاد فاصله طبقاتی در دول شمال و جنوب) منجر گردیده و به طور اخض به حقوق بشر دول جنوب لطمه می زند .

طرح گفتگوی تمدن ها با وساطت نمایندگان مختلف تمدنی یعنی نمایندگان افراد، گروه ها ، موسسات و دولت ها ( مانند نمایندگان و نخبگان حقوقی، سیاسی، علمی مذهبی و فرهنگی) می تواند در این جریان نقش کلیدی بازی کرده ، آثار مثبت حقوق بشر ناشی از آن را بین شمال و جنوب برابر نماید و یا آثار منفی احتمالی جهانی شدن بر حقوق بشر را به طور کلی کاهش داده و به طور خاص از حقوق بر دول جنوب حمایت نماید. بدین صورت که با وارد کردن ملت ها در مرکز این روند یا پدیده به مقابله با حاکمیت وسلطه یابی شرکت ها وسازمانهای مالی اقتصادی در مرکز این دهکده جهانی پرداخته و آثار منفی حقوق بشری آن را به حداقل تقلیل دهیم.



## منابع:

۱. پرویز صداقت ، (( سرشت جهانی شدن وزمینة های آن )) ماهنامه بورس ، اردیبهشت

۱۳۷۹ ، ص ۲۱

۲. همان ، ص ۲۱

۳. همان ، ص ۲۱

۴. آلونین تافلر، جابه جایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی ، تهران ، نشر سیمرخ ،

۱۳۷۵ صص ۹۱-۶۹۰

۵. see Salah Guenriche, "The mixed signals of globalization," the

UNESCO Courier, June , 1997.

۶ محمد تقی قزلسفلی، (( جهانی شدن رویارویی یا همزیستی )) اطلاعات سیاسی

اقتصادی، سال چهاردهم، شماره یازدهم ودوازدهم (شماره ۱۵۶-۱۵۵) ، مرداد وشهریور

۱۳۷۹ ، صص ۱۴۳-۱۴۲ .

۷. عادل عبدالحمید علی، (( جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم )) ترجمه

مهندس اصغر قریشی سفیر جمهوری اسلامی در یمن، اطلاعات سیاسی اقتصادی مرداد

وشهریور ۱۳۷۹ ، ص ۱۵۲ .

.Sentinel News. N 8 Jan. fev. Mar. 1998, France, pp.1-3.۸

.Sentinel News, n 3 Oct. Non. Dec. 1996, France, pp. 1-4.۹

.Sentinel News, n 4 Jan. fev. Mar. 1997, France , pp.1-4.۱۰

۱۱. ریچارد روز کرانس ، (( جهانی شدن و تحول مفهوم کشور )) ، ترجمه احمد صادقی ،

مجله سیاست خارجی ، بهار ۱۳۷۹ ، صص ۶-۷

۱۲. سید محمد رضا نورانی ، (( جهانی شدن و کشورهای در حال توسعه و ایران )) ، اطلاعات

سیاسی اقتصادی ، شماره یازدهم و دوازدهم (شماره ۱۵۶-۱۵۵) مرداد و شهریور ۱۳۷۹ ، ص

۱۶۰

۱۳. آیت مولائی (( حقوق بشر و حاکمیت ملی )) اطلاعات سیاسی- اقتصادی ، سال

چهاردهم ، شماره یازدهم و دوازدهم ( شماره ۱۵۶-۱۵۵) مرداد و شهریور ۱۳۷۹ ، ص ۱۲۴.

۱۴. هدایت الله فلسفی ، (( تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین المللی )) مجله

تحقیقات حقوقی ، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ، شماره ۱۶-۱۷ ، ( پائیز

۷۴ تا بهار ۷۵) صص ۱۲۹-۱۳۰.

۱۵. حسین مهرپور ، نظام بین المللی حقوق بشر ، موسسه اطلاعات چاپ اول ، تهران ۱۳۷۷ ،

صص ۱۷۸-۱۵۴.

۱۶. United Nations, "Study by the Secretary General on Popular Participation in its Various Forms as an Important Factor in Development and in the Full Realization of Human Rights", UN Doc .E /CN. 411985/. Pp. 35-36 .

۱۷. Peter Uan Ness, Debating Human Rights . Routledge. London and New York. 1999. Pp.25-32 .

۱۸. Philp G. Gerny. , "Ggolobalization and the Erosion of Democracy,"European Journal of Political Research, Netherlands, No.36, 1999, pp.1-26

۱۹. James Graff, "Giving some of Background," Ttime, Fed. 1999 .

۲۰. Bimal Ghosh, "Stop Demonizing Globalization and leam to Manage it".Herald Tribuns, No. 35990, 15 Nov. 1998

۲۱. عباس آخوندی ، بولتن نقد دیدگاه موسسه بین المللی انرژی ، ش ۲۶ ، صص ۱۷-۱۴

۲۲. مهدی تقوی، (( جهانی شدن بازارهای مالی و تدوین سیاست های اقتصادی ))

اطلاعات سیاسی - اقتصادی ، سال یازدهم، ش ۱۱۰-۱۰۹ سال ۱۳۷۵، صص ۱۴۰-۱۳۸

۲۳، مرتضی مردیها، (( فرهنگ جهانی در گفتگو با داریوش شایگان )) روزنامه جامعه ، ش ۶۷-۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۷.

۲۴Geoffrey Garrett, "the Causes of Globalization," Comparative Political Studies. Vol, No. 617, Aug/sep., 2000, pp. 975-978

۲۵Haleh Afshar and st. Bbarrientis, Women , Globalization and Fragmentation in the Developing World, Macmillan press LTD, London 1999., p.26 .

۲۶. ترجمان اقتصادی، سال اول، شماره ۳۵، ص ۴۷.

Mohammad Shaban "The Positive effects of globalization on the countries of the Gulf Council", Gulf Report, Dec 1998 .

۲۸. عبدالحمید علی عادل، همان ، ص ۱۵۵

۲۹. ماک ویلامز، (( بازانديشي در مفهوم حاکمیت : تاثیر جهانی شدن بر حاکمیت

(( دولت )) ترجمه اسماعیل مردانی گیوی ، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره یازدهم

ودوازدهم ، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، صص ۱۳۹-۱۳۶

Haleh Afshar, op. Cit., pp. 4-6.۳۰

.Ibid., pp. 8-9.۳۱

see, Martin Upchurch The State and Globalization Mansell, ۳۲

.London and New York, 1999, pp. 58-113

Reijo. E. Heinonen, "Religious and The Human Rights ۳۳

Education," The Iranian Journal of International Affairs, IPIS,

,vol, XII, No. 2

.Sum. 2000 pp,259-261

.Bilderberg.۱

.(la Commission Trilaterale.۲

.Working Groups.۱

Special Reporteur Thematic ۲

.Special Representatives Country.۳

.James Graff.۱

.Bimal Ghosh.۱

.Tink global and act local.۱